

آسیب‌شناسی فهم روایات مربوط به خانواده

فاطمه وجدی سیس* و سید رضا مودب**

چکیده

اسلام، آئین الهی و مقدسی است که به خانواده اهمیت فراوان قائل است و آن را سنگ بنای مهم حیات اجتماعی می‌داند از این رو، روایات فراوانی برای رشد و تعالی خانواده وارد شده است. آسیب‌شناسی فهم روایات نقش مهمی در تشخیص روایات صحیح از احادیث جعلی، تبیین روایات اسلامی و به تبع آن، استحکام بنیان خانواده بر پایه قوانین اسلام دارد. از سوی دیگر غفلت از این امر و عدم درک روشمند روایات، ممکن است سبب پذیرش روایات جعلی یا تفسیر به رأی روایات صحیح می‌شود. مهم‌ترین آسیب‌های برخی از روایات مربوط به خانواده عبارت از: مخالفت با قرآن کریم؛ غفلت از سیره عملی معصومین (علیهم السلام)؛ راهیابی برخی روایات جعلی در حوزه خانواده؛ ناآگاهی از جدیدترین یافته‌های قطعی علوم پزشکی و روان‌شناسی؛ افراط و تفریط در پذیرش روایات؛ بررسی حدیث فارغ از سبب صدور آن؛ اعتماد بر خرافات در پذیرش روایات؛ غفلت از هویت انسانی زن است.

واژگان کلیدی

روایات؛ زن؛ خانواده؛ آسیب‌شناسی

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکترا، مربی دانشگاه، قم، ایران vajdifatemah@yahoo.com

** استاد دانشگاه قم، قم، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۲۳

تاریخ ارسال: ۱۳۹۵/۲/۲۹

DOI: 10.22051/jwfs.2017.9859.1144

مقدمه و بیان مسأله

مهم‌ترین راه دستیابی به احکام و سایر معارف الهی، پس از قرآن، سنت پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام) است. هر حدیث پژوه متخصصی، برای فهم صحیح روایات، نیازمند روش‌شناسی و آسیب‌شناسی فهم احادیث است. حدیث‌پژوهان با روش‌شناسی فهم احادیث به فراهم‌سازی مقتضیات و شرایط ایجابی فهم درست حدیث توجه می‌کنند و در آسیب‌شناسی فهم روایات پس از شناسایی آفات و موانع فهم حدیث، در پی زدودن آن‌ها برمی‌آیند؛ در این میان فهم صحیح روایات مربوط به حوزه خانواده اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ چرا که خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است و سعادت جامعه به سلامت این نهاد ارزشمند پیوند خورده است. از سوی دیگر، رشد علم و تکنولوژی و گسترش وسایل ارتباط جمعی، مردان و زنان جامعه اسلامی را از نگرش‌های فمینیسمی و افکار اومانیسم و... آشنا می‌سازد. بدین جهت آسیب‌شناسی فهم حدیث در حوزه زنان و خانواده، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد تا ضمن دفاع از نگرش انسانی اسلام به کرامت زن در خانواده، روایات جعلی کنار گذاشته شوند. همچنین از سقوط در ورطه تفسیر به رای روایات، به قصد موجه ساختن چهره زن‌ستیز برخی روایات یا به نیت عقب نماندن از قافله جنبش‌های جهانی زنان جلوگیری شود. مقاله حاضر رویکردی نسبتاً جامع و همه‌جانبه‌نگر نسبت به موضوع آسیب‌شناسی فهم روایات در حوزه زن و خانواده دارد که در آن به موضوع زن با محوریت زن در خانواده تأکید شده است. از سوی دیگر پژوهش‌های موردی انجام یافته درباره برخی روایات کافی نیست. به دلیل پیشرفت محیرالعقول علم و دانش در حوزه علوم پزشکی و روان‌شناسی دریچه‌های جدیدی برای فهم برخی روایات گشوده شده و فهم تازه‌ای درباره برخی دیگر از روایات به وجود آمده است که تاکنون در مقالات نیامده است.

آسیب‌های فهم برخی روایات مربوط به خانواده

روایات مربوط به خانواده در بستر زمان گرفتار آفت‌ها و آسیب‌هایی شده است. برخی از این آسیب‌ها تأثیر شایان توجهی در تحریف رویکرد معصومین (علیهم السلام) درباره زن و خانواده داشته است. مهمترین آسیب‌های برخی روایات مربوط به خانواده عبارت هستند از:



۱- بی‌توجهی به روح کلی قرآن کریم

حدیث در صورتی پذیرفتنی است که هماهنگی با روح آیات الهی و تشریع‌های قرآنی داشته باشد. آیت الله صدر در این باره می‌گوید: «بعید نیست که مقصود از دور افکندن خبر ناسازگار با قرآن، یا خبری که شاهد و گواهی از قرآن برای آن نیست، دور افکندن روایتی باشد که با روح عمومی قرآن کریم ناسازگار باشد». (صدر، ۱۴۲۸: ۷/۳۳۳) در روایتی می‌خوانیم: «به زاننان سورة يوسف را یاد ندهید و ریسندگی و سورة نور را به ایشان بیاموزید.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳۷۴/۱) تعالیم سورة يوسف برای تعالی انسان و در راستای روح توحیدی حاکم بر سرتاسر قرآن کریم و هشدارهای کتاب آسمانی در مواجهه با وسوسه‌های شیطانی است. «غرض این سوره بیان ولایتی است که خداوند نسبت به بنده خود دارد، البته آن بنده‌اش که ایمان خود را خالص، و دلش را از محبت او پر کرده و جز به سوی او به هیچ سوی دیگری توجه ندارد. آری، چنین بنده‌ای را خداوند خودش عهده‌دار امورش شده، او را به بهترین وجهی تربیت می‌کند، راه نزدیک شدنش را هموار، و از جام محبت سرشارش می‌کند، آن چنان‌که او را برای خود می‌سازد و به زندگی الهی خود زنده‌اش می‌کند، هر چند اسباب ظاهری همه در هلاکتش دست به دست هم داده باشند، او را بزرگ می‌کند؛ هر چند حوادث او را خوار بخواهند، عزیزش می‌کند؛ هر چند نوائب و ناملایمات روزگار او را به سوی ذلت بکشاند و قدر و منزلتش را منحط سازد.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷۳/۱۱) چون که این روایت با روح کلی حاکم بر آیات الهی مغایرت دارد، پذیرفتنی نیست.

۲- غفلت از سیره عملی معصومین (علیهم السلام)

سیره عملی معصوم (علیه السلام)، از منابع معتبر دینی به‌شمار می‌آید. در زندگی معصومین (علیهم السلام)، مشورت مردان با همسران عاقله‌شان دیده می‌شود. این امر در عرصه‌های مختلف خانوادگی و سیاسی اتفاق می‌افتاد. بررسی روایات نهی مشورت با زنان، با در نظر گرفتن سیره عملی معصومین (علیهم السلام) دستیابی به تحلیل واقعی از روایت را موجب خواهد شد. در روایتی می‌خوانیم: هرگاه رسول خدا (صلی الله علیه و اله) اراده جهاد

۱. و لا تعلموهن سورة يوسف و علموهن المغزل سورة النور

می‌فرمودند، همسرانشان را فرا می‌خواندند و با آن‌ها مشورت می‌کردند، سپس مخالفت می‌ورزیدند.^۱ (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۱۸/۵)؛ اما سیره عملی پیامبر (صلی الله علیه و اله) به‌کارگیری توان علمی و عملی زنان در عرصه جهاد بوده است. زمانی که صلح‌نامه حدیبیه نوشته شد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به مردم دستور داد تا شتران خود را قربانی کنند و سرهای خود را بتراشند، اما کسی از جای خود برنخاست. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مجدداً فرمان خود را تکرار کرد، اما کسی او را اجابت نکرد. بار سوم نیز که مردم فرمانش را پیروی نکردند، حضرت نگران و ناراحت بر ام سلمه وارد شد. ام سلمه به حضرت عرض کرد: شما خود شترانتان را قربانی کنید، مردم نیز به دنبال شما چنین خواهند کرد! رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین کرد. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۷۷/۶) این واقعه بیانگر مشورت پیامبر خدا در بحبوحه‌های سیاسی با زنان صاحب عقل و فضل است.

۳- راهیابی روایات جعلی در حوزه زن و خانواده

جعل و تحریف روایت از زمان پیامبر (صلی الله علیه و اله) آغاز و در زمان خلفا بیشتر شده است. روایات حوزه خانواده نیز از این آسیب در امان نبوده است. مانند روایات خلقت زن از دندهٔ چپ مرد (بخاری، ۱۴۰۱: ۱۴۵/۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۹/۱۱)، روایتی که اسب، زن و خانه را شوم دانسته است (سنن ابی داود: ۱۹/۳ برقم ۳۹۲۱).

۳-۱- دلایل راهیابی احادیث جعلی در روایات مربوط به خانواده

عوامل فراوانی برای جعل حدیث و نسبت دروغ به معصومین (علیهم السّلام) در روایات مربوط به زنان و خانواده وجود دارد. برخی از عوامل راهیابی احادیث جعلی در حوزه روایات مربوط به خانواده، جلوه و نمود بیشتری دارد که به اختصار به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱-۱- ادامه تفکرات عصر جاهلی درباره زن و خانواده

قائل نشدن حق حیات و موجودیت برای زن، ازدواج اجباری، به ارث رسیدن زن همانند

۱. مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ رَفَعَهُ قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و اله و سلم) إِذَا أَرَادَ الْحَرْبَ دَعَا نِسَاءَهُ فَاسْتَشَارَهُنَّ ثُمَّ خَالَفَهُنَّ»



بقیه اموال متوفی و... نمونه‌هایی از ظلم و ستم فراوان در حق زنان در خانواده بوده است که در عصر جاهلیت اتفاق می‌افتاد. به قصد عقب‌گرد به رسومات جاهلی، روایات متعددی درباره زنان و خانواده، جعل شده و به پیامبر (صلی الله علیه و اله) نسبت داده می‌شد. روایت جعلی «دفن کردن دختران از کارهای تکریم شده است»^۱، در ادامه تفکر جاهلی زنده به گور کردن دختران بود؛ در حالی که این رسم زشت و غیرانسانی با انتقاد شدید قرآن کریم مواجه گردیده بود^۲ و توسط پیامبر خدا (صلی الله علیه و اله) برچیده شده بود.

۳-۱-۲. تعصب دستگاه خلافت نسبت به زنان

از دیرباز، نقش مسجد در جامعه اسلامی نقش سازنده و محوری بوده است به‌طوری که در صدر اسلام مکانی برای تعلیم و تربیت، وعظ و خطابه، نماز جماعت، قضاوت و مشورت... بود. از آنجا که زنان، مسؤولیت تربیت دینی فرزندان در خانواده را بر عهده دارند حضور آنها در این مکان اهمیت ویژه‌ای دارد. زنان در دوره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) در مساجد حضور می‌یافتند و به اقامه نماز جماعت می‌پرداختند^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳/۱۰۱)، همچنین در نماز جمعه، نماز عیدین و جنگ‌ها برای مداوای مجروحین حضور داشتند^۴ (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۵/۵)، البته بسیاری از مردان حتی در عصر پیامبر (صلی الله علیه و اله) و با وجود تأکیدات فراوان ایشان مبنی بر حضور زنان در مسجد و عدم ممانعت مردان از آن، نسبت به خروج زنان خود از منزل، حساسیت نشان می‌دادند. زمانی که عمر به خلافت رسید با اقتدار بیشتری به ایده‌های خود جامه عمل پوشاند. ام ایمن و ام السلمه در مسجد به دفاع از خاندان پیامبر خدا (صلی الله علیه و اله) سخن گفتند و حرف‌های عمر بن خطاب را نقض کردند. عمر آنها را از مسجد بیرون می‌کرد و می‌گفت: «مَا لَنَا وَالنِّسَاءَ» (هالالی، ۱۴۰۵: ۸۶۷/۲)، برخلاف گفتمان نبوی و براساس انگیزه‌های سیاسی، از همان ابتدای رحلت پیامبر (صلی الله علیه و اله) و سلم و در زمان خلیفه دوم، با منع زنان از حضور در برخی اجتماعات دینی (مانند نماز جماعت صبح و عشاء) و در ادامه با ممانعت از حضور زنان در مساجد برای خواندن نماز و شرکت در جلسات

۱. دفن البنات من المکرمات

۲. وَإِذَا الْمَوْءِدَةُ سُئِلَتْ* بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (تکویر/۹-۸)

۳. إِنَّ النِّسَاءَ كُنَّ يَخْرُجْنَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ يُصَلِّينَ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و اله) ...

۴. إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَخَّرَ بِالنِّسَاءِ فِي الْحَرْبِ حَتَّى يُدَاوِينَ الْجُرْحَى وَ لَمْ يَقْسِمْ لَهُنَّ مِنَ الْفَيْءِ شَيْئاً وَ لَكِنَّهُ نَقَلَهُنَّ

یادگیری قرآن و تأکید و توصیه به ماندن زنان در خانه، عملاً زنان از مهم‌ترین کانون تجمع و گردهمایی مسلمانان و از عرصه‌های مشارکت و حضور در جامعه کنار گذاشته شدند. روایت ممنوعیت سوادآموزی به زنان از این دست روایات به‌شمار می‌آید که از زبان پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله) نقل شده است که فرمودند: «زنانتان را در بالاخانه جای ندهید و سواد به ایشان نیاموزید.»^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳۷۴/۱) عمر بن خطاب، زنان را از یادگیری علم باز می‌داشت. ابن‌ابی‌الحدید عبارت «به زنان سواد نیاموزید» را از جمله گفتار عمر بن خطاب بر شمرده است (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۱۶/۱۲).

۳-۱-۳. تأثیرپذیری از باورهای یهود:

مقایسه گفتمان قرآن و گفتمان نبوی با مرویات نشان‌دهنده نوعی تعارض میان این روایت‌ها با گفتمان اسلام است، با توجه به جریان نفوذ اسرائیلیات در سده‌های نخستین اسلامی در سرزمین‌های اسلامی و با در نظر گرفتن محدودیتی که در فرهنگ یهود در ارتباط با زنان و خانواده وضع شده، می‌توان بازتاب این امر را در احادیث اسلامی به روشنی ملاحظه کرد. برخی روایات خلقت زن را از دنده چپ مرد و برخی دیگر از روایات با مضمونی مشابه، زن را از ابتدای خلقت آن طفیلی مرد قلمداد می‌کند.^۲ این روایات علاوه بر ضعف سندی، دارای ضعف‌های عمده است که علامه طباطبایی (ره) به مواردی از آن اشاره می‌کند. ۱- مطابق نظر تورات در فصل دوم، سفر تکوین است. ۲- روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) به شدت آن را تکذیب کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴۷/۱). روایات خلقت مستقل حوا در منابع حدیثی وارد شده است^۳ (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳۷۹/۳؛ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۵۲/۲۰).

۱. السکونی، عن جعفر، عن أبیه، عن آبائه (علیه السلام) قال قال رسول الله (صلی الله علیه و اله): لا تنزلوا نساءکم الغرف، و لا تعلموهن الکتابه.

۲. عدّه من أصحابنا عن أحمد بن أبی عبد الله عن أبیه عن وهب عن أبی عبد الله ع قال قال أمير المؤمنين ع خلق الرجال من الأرض و إنما همهم فی الأرض و خلقت المرأة من الرجال و إنما همها فی الرجال احسوا نساءکم یا معاشیر الرجال (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۷/۵).

۳. حمّد بن علی بن الحسین بإسناده عن زرارة بن أعین أنّه قال: سئل أبو عبد الله ع عن خلق حواء و قيل له إن عندنا أناساً يقولون إن الله خلق حواء من ضلع آدم الأيسر الأقصى فقال سبحانه الله و تعالی عن ذلك غلوا کثیراً يقولون من يقول هذا إن الله لم یکن له من القدره ما یخلق لآدم زوجته من غیر ضلعه و یجعل للمتکلم من أهل التشیع سبیلاً إلى الکلام أن يقول إن آدم کان ینکح بعضه بعضاً إذا کانت من ضلعه ما لهؤلاء حکم الله بیننا و بینهم الحدیث.



۴- عدم اطلاع نسبت به دانش‌های جدید

روایات معصومین (علیهم السلام)، تفسیر قرآن کریم و تعلیمات الهی است که از زبان پیشوایان دینی بیان می‌شود تا مردم با عقل سلیم آن را به‌کار ببندند و به نیکبختی دنیا و آخرت دست یابند. موضوع علم و دانش جدید، سنت پروردگار در جهان هستی است که موجودات و نوامیس جهان هستی به آن متصف هستند. خصوصیات و روابطی که در این موجودات وجود دارد به‌گونه‌ای است که اگر انسان آن‌ها را مطالعه کند و به حقیقت آن‌ها پی ببرد، در زندگانی از آن سود خواهد برد. علم و دین نه تنها منافاتی با یکدیگر ندارند؛ بلکه بهره‌گیری از علوم قطعی جدید در تفسیر قرآن کریم و فهم روایات می‌تواند به تبیین و تفسیر سخن کمک نماید و اعجاز علمی سخنان وحی و معصوم (علیه السلام) را اثبات کند. در مقابل، غفلت و کنار نهادن دانش‌های جدید موجب می‌شود برخی از آیات و روایات در هاله‌ای از ابهام قرار گیرند. همان‌گونه که قطعیات علوم و دانش‌های جدید، در فهم روایات نقش مهمی دارند، یافته‌های قطعی علمی به اقتناع عقل در یقین به جعلی بودن روایات جعلی نیز کمک می‌کند. علوم و دانش‌های روز به دو شاخه علوم تجربی و علوم انسانی تقسیم می‌شود که هر یک دارای زیرشاخه‌های فراوانی است. موارد استفاده از علم پزشکی و علم روان‌شناسی در فهم روایات حوزه زنان بیش از دیگر زیرشاخه‌ها است.

۴-۱- علم پزشکی و روایات خانواده

برای فهم پاره‌ای از روایات حوزه خانواده، بهره‌گیری از دانش پزشکی اجتناب‌ناپذیر است. آشنایی با فیزیولوژی خاص بدن، هورمون‌های خاص زنانه و تأثیر آن‌ها در احساسات و رفتار بانوان و... در فهم برخی از روایات مربوط به زندگی زناشویی نقش مؤثری ایفا می‌کند. همچنین مغایرت برخی احادیث با قطعیات علمی، جعلی بودن حدیث را از شک به یقین داخل می‌سازد. آنچه در بهره‌گیری از دانش روز باید به آن توجه شود، استخدام علوم تجربی در فهم و توضیح حدیث است، نه تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر روایات. در راستای استفاده از علم پزشکی، روایات به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) روایاتی که یافته‌های علمی قطعی مضمون آن‌ها را روشن می‌سازد.

ب) روایاتی که یافته‌های علم تا به امروز، تأثیری در فهم آن‌ها ندارد، اما با توجه به

پیشرفت‌های علم در آینده امکان فهم لایه‌های پنهان مضمون روایت وجود دارد.

الف) تأثیر دانش پزشکی در تبیین روایات

منظور از علوم تجربی دانش‌هایی است که براساس تجربه و آزمایش برای انسان حاصل می‌شود. مدار در علوم تجربی بر آزمایش و تجربه است. قطعی نبودن برخی مطالب علوم تجربی از ویژگی‌های این علوم است، اما هرگاه مطلبی یقینی از علوم تجربی در روایات قطعی الصدور آمده باشد، می‌توان در فهم روایت بدان استناد کرد. به‌عنوان نمونه رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله)، در پاسخ به سؤالی درباره کیفیت تعیین جنسیت جنین، این امر را متأثر از غلبه ترشحات یکی از دو جنس مرد یا زن بر ترشحات جنس مقابل عنوان می‌فرماید^۱ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۵۳/۲). نسبت دادن تعیین جنسیت به مادر و سرزنش وی در به دنیا آوردن فرزند دختر در فرهنگ عوام، امری غیرعلمی و غیراخلاقی بوده است. بعد از پیشرفت علم و دانش این امر به پدر نسبت داده شد که به همان میزان مخالف واقعیت است. دانش جدید، تعیین جنسیت را مشترکاً در اختیار زوجین می‌داند و آن را وابسته به خاصیت اسیدی بودن ترشحات زنانه و قلیایی بودن منی مردانه می‌داند^۲. پیشرفت علم و دانش در آینده مجهولات تعیین جنسیت را برای انسان‌ها روشن می‌کند. این‌گونه روایات بیان‌کننده اتصال پیامبر عظیم‌الشان خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) به منبع لایزال علم الهی است که با جدیدترین یافته‌های علمی قابل فهم است.

ب) تأثیر پیشرفت‌های علمی در فقدان قضاوت قطعی درباره برخی روایات

پیشرفت‌های سریع علم پزشکی که محیرالعقول نیز است - موجب شده تا قضاوت قطعی درباره برخی روایات، متوقف به آزمایش‌ها و پژوهش‌های تجربی بیشتری درباره موضوع شود.

۱. سئلَ النَّبِيُّ (صلی الله علیه و اله و سلم): كَيْفَ تُؤْتَى الْمَرْأَةُ وَ كَيْفَ يُذَكَّرُ الرَّجُلُ قَالَ يَلْتَقِي الْمَاءُ إِنْ فَبِإِذَا عُلَا مَاءُ الْمَرْأَةِ مَاءَ الرَّجُلِ، أَنْتَتْ وَ إِنْ عُلَا مَاءُ الرَّجُلِ مَاءَ الْمَرْأَةِ أَذْكَرَتْ

۲. چسترمن معتقد است: خاصیت قلیایی منی و خاصیت اسیدی ترشحات زنانه ثابت شده است به‌دلیل این‌که منی مرد قلیایی و ترشحات زن اسیدی است، هرگاه این دو به هم رسیدند و با هم جمع شدند، و ترشحات زن بر منی مرد غلبه یافت (یعنی خاصیت اسیدی ترشحات آب زن بر خاصیت قلیایی آب مرد (منی) غالب شود)، به‌دلیل کند شدن سرعت حرکت کروموزوم تأثیر گذار در جنسیت پسر، فرصت برای ترکیب شدن این کروموزوم از دست می‌رود و جنین دختر می‌شود و بالعکس (چسترمن فلیپز، ۱۳۸۰: ۴۴).



مثلاً تحلیل علمی روایت تفاوت شیر نوزاد دختر و شیر نوزاد پسر^۱ نیازمند آزمایش‌های تجربی و کشفیات جدید درباره مرکز تولید شیر مادر است. این روایت بیان‌کننده تفاوت مرکز تشکیل شیر نوزاد دختر با شیر نوزاد پسر است. پیشرفت‌های علم تاکنون این مطلب را تأیید نکرده است؛ اما حرکت علمی رو به رشد امروز ما را از هرگونه قضاوت قطعی درباره صحیح یا جعلی بودن اینگونه روایات باز می‌دارد. چه بسا دانش‌های جدید، فهم تازه‌ای از لغات در اختیار قرار دهد چنانچه تعبیر شیطان به میکروب در اثر یافته‌های علمی اتفاق افتاد. دانشمندان، مرکز تولید شیر را برای نوزاد دختر و پسر یکسان می‌دانند و معتقد هستند: مجاری ترشح‌کننده شیر در سلول‌های خوشه‌ای به نام «آلوئول» در سینه مادر قرار دارد (آن پرایس، ۱۳۷۳: ۳۰)، جدیدترین یافته‌ها حاکی از اختلاف عناصر موجود در شیر نوزاد دختر و نوزاد پسر است. طبق آخرین تحقیقات انجام شده سطح لپتین شیر مادر در دو گروه فرزندان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری داشت و مادرانی که صاحب دختر بودند سطح لپتین شیر آن‌ها بالاتر بود تغییرات سطح لپتین شیر مادر برحسب سن فرزندان معنی‌دار نبود. وزن حجمی شیر مادر برحسب سن فرزندان به‌طور معنی‌داری متفاوت بود ولی ارتباط معنی‌داری بین سطح لپتین شیرمادر و وزن حجمی شیر مادر وجود نداشت. برطبق نتایج پژوهش حاضر سطح لپتین شیر مادر با جنسیت فرزند تغییر می‌کند به‌طوری‌که مادران صاحب فرزند دختر دارای لپتین بیش‌تری هستند ولی مکانیسم این پدیده ناشناخته است. وزن مخصوص شیرمادر با فاصله گرفتن از زمان زایمان افزایش می‌یابد که احتمالاً ناشی از احتباس آب و نمک در دوران بارداری باشد. شیر مادران دارای پسر، پروتئین و چربی بیشتر و شیر مادران دارای دختر، قند بیشتری دارند (جوانمردی، مقایسه سطح لپتین شیر مادران دارای فرزند دختر و پسر، ۱۳۹۰: ۱۸۳/۴۲).

۲-۴- علم روان‌شناسی و روایات خانواده

احادیث معصومان (علیهم السلام) در بردارنده معارف ناب روان‌شناختی هستند و کمک گرفتن از دانش روان‌شناسی، فهم حدیث را میسر می‌سازد. پیمودن مراحل فهم مفردات و

۱- أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ: لَبَنُ الْجَارِيَةِ وَ بَوْلُهَا يَخْرُجُ مِنْ مَنَائِهِ أُمُّهَا وَ لَبَنُ الْعُلَامِ يَخْرُجُ مِنَ الْعُضْدَيْنِ وَ الْمَنَكِبَيْنِ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۵۳/۲).

ترکیبات، سپس جمع‌آوری گزینه‌ها از ملزومات فهم حدیث به‌شمار می‌آید. این امور فهمی سطحی از حدیث را فراهم می‌سازد؛ لیکن فهم لایه‌های عمیق معارف روایات نیازمند فهم پیشرفته متن است.

برای فهم روان‌شناسی حدیث باید چند مرحله را پیمود که عبارت هستند از:

۱- تبیین مؤلفه‌ها

نخست باید مؤلفه‌های گزاره‌ها را مشخص کرده و سپس پرسش خود را به‌صورت دقیق مشخص کرد.

۲- تبیین چگونگی ارتباط بین مؤلفه‌ها

امیرالمومنین علی (علیه السلام) در نامه سی و یکم نهج البلاغه، مردان را از غیرت نابجا درباره همسر خود نهی می‌فرماید و دلیل آن را چنین برمی‌شمارد که زن سالم در اثر این رفتار همسر خود، بیمار می‌شود و فرد پاکدامن را به سوءظن می‌کشانند. مؤلفه‌های این روایت، غیرت نابجا و ایجاد بیماری در زنان است. پرسش دقیق آن است که منظور از بیماری در این روایت کدام بیماریست؟ دلایل و ریشه‌های غیرت نابجا کدام است؟ چگونه غیرت نابجا باعث به‌وجود آمدن بیماری‌های روحی و روانی در همسر می‌شود؟ چرا زنان بیش از مردان در معرض آسیب‌های روانی حاصل از سوءظن همسران خود قرار دارند؟ این سؤالات در یافته‌های جدید علم روان‌شناسی پاسخ داده شده است که می‌توان از این یافته‌های قطعی در تبیین احادیث بهره جست. این روایت در کتب حدیثی با تعبیر متفاوت دیده می‌شود. در همه نسخه‌ها به پیامد غیرت نابجا اشاره شده است. امیرالمومنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: «بپرهیز از غیرت نشان دادن بی‌جا که درست‌کار را به بیمار دلی، و پاکدامن را به بدگمانی رساند» (نهج البلاغه/نامه ۳۱)، واژه «السُّقَم» - که در این روایت آمده است - اختصاص به بیماری جسمی و بدنی دارد ولی بیماری و مرض گاهی در بدن است و گاهی در نفس و جان مثل... «إِنِّي سَقِيمٌ»^۱ (راغب، ۱۴۱۲: ۴۱۵) صفات شخصیتی هر فرد آمادگی‌هایی برای پاسخ

۱. إِيَّاكَ وَالتَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرَةٍ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ وَالتَّبَرُّتَ إِلَى الرَّيْبِ...

۲. صافات/۸۹



دادن به شیوه‌ای یکسان یا مشابه در موقعیت‌هایی یکسان است. این مطلب برگرفته از نظریه شخصیت آلپورت است. وی بیان می‌کند که صفات، شیوه‌هایی باثبات و بادوام واکنش نشان دادن به پدیده‌های محیطی هستند (شولتز، ۱۳۸۶: ۲۸۵). پایداری هیجانی، برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی و... از جمله این صفات شخصیتی هستند که عکس‌العمل افراد را در موقعیت‌های مختلف نشان می‌دهند (همان، ۳۲۵). صفت شخصیتی غیرت نابه‌جا از موارد آزار همسر در روابط زناشویی به شمار می‌آید. در علم روان‌شناسی غیرت نابه‌جا اگر از سوءظن سرچشمه گرفته شده باشد، ناشی از نوعی اختلال شخصیتی است که در شرایط حاد و بیمارگونه «پارانوئید» نام دارد. این حالت روانی به خشونت‌های رفتاری و آزارهای روحی روانی نسبت به همسر منجر می‌شود. ادامه این روند افسردگی‌های شدید همسر را در پی خواهد داشت. میزان زنانی که تحت تأثیر افسردگی قرار می‌گیرند دو برابر تعداد مردان است. (اشتاینر، ۱۳۸۳: ۷) احتمالاً دلیل آن تأثیرپذیری بیشتر زنان از اطرافیان باشد که این تأثیرپذیری در مردان کمتر است. پژوهش‌های اپیدمیولوژیکی نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد زنان برخی از نشانه‌های خلق افسردگی را تجربه می‌کنند که به پیش از زایمان یا پس از آن مربوط می‌شود (همان، ۳۵). شاید منظور امام (علیه‌السلام) از عبارت «صحیحه» این باشد که این ناراحتی روحی ناشی از غیرت نابه‌جای مردان، ارتباطی با اختلالات روحی زنان در دوره‌های ناپاکی و افسردگی‌های بعد از زایمان ندارد و منشأ جداگانه‌ای دارد. آسیب دیگر غیرت نابه‌جا در کلام امیرالمومنین (علیه‌السلام) در برخی نسخه‌ها، ایجاد سوءظن در وجود خود زن پاکدامن است و «الْبَرِيَّةُ اِلَى الرَّيْبِ»، که احتمالاً در اثر تلقین انجام می‌شود. نتیجه تلقین، قبول بدون استدلال عقاید و افکاری است که به وسیله دیگری القاء می‌شود یا تحت شرایط خاص محصول ذهن خود فرد است. امیرالمومنین (علیه‌السلام) در ادامه روایت برای جلوگیری از افتادن در ورطه بی‌غیرتی، امر به محکم‌کاری و عتاب به موقع می‌کند چرا که اثر بی‌عفتی در پایمال شدن شخصیت زن و بروز بیماری‌های روحی و روانی در وی کمتر از اثر غیرت نابه‌جا نیست از این جهت بلافاصله بر عتاب به موقع در لغزش‌ها تأکید می‌شود.

۵- افراط و تفریط در پذیرش روایات خانواده

یکی از آفات حدیث‌پژوهی گرفتاری در دام افراط و تفریط است. این مسأله در حدیث‌پژوهی

حوزه زنان و خانواده نمود بیشتری دارد. متحجرین، متجددین، اصولیون، ملی‌گرایان، اومانیسم، روشنفکران، فمینیسم و... هر کدام دوره‌ای جو حاکم بر جامعه را به دست گرفتند و به تبع آن، بر فهم عده‌ای از افراد تأثیر گذاشتند. در پایان عقل‌گرایی مفرط گذشته، رواج افکار اومانیسم و پوزیتیویست آفت فهم متون دینی گردیده است. روزگاری مرد را مسلط بر زن و کدخدای او می‌دانستند و آیات و روایات را بر این اساس تفسیر می‌کردند (میدی، ۱۳۷۱: ۴۸۶/۲). در عصر حاضر، دیدگاه جدیدی رخ داده است. «گروهی ادعا دارند آیات ۳۴ سوره نساء و ۲۳ سوره مبارکه بقره و احادیث نهج البلاغه، نصوص مخالف ارزش زن در خانواده است... نگاه قرآنی نسبت به احادیث در رابطه با زن خوشبینانه‌تر است. در قرآن مجید آیاتی نیز که سهم بیشتر و توجه جدی‌تر به مردان دارند آیات الاحکام هستند» (منصورنژاد، ۱۳۸۱: ۳۶ و ۴۷) در بررسی این دیدگاه باید گفت: نگرش قرآن‌کریم و احادیث صحیح نسبت به کرامت و جایگاه زن در خانواده، واقع‌بینانه است و نه خوشبینانه. بررسی عالمانه آیات الاحکام و سایر آیات الهی نشان می‌دهد، نگاه جدی و توجه ویژه خداوند متعال در درجه اول به تحکیم بنیان خانواده و سپس حفظ کرامت فرد اعضای خانواده است. احکام نفقه، مهریه، حضانت فرزند، حق طلاق و... همگی برای حفظ مصالح خانواده و تأمین کرامت انسانی و آرامش زن بوده است، هر چند در ظاهر مسأله به نفع مرد تلقی شود. دلیل عمده شکست و افول موج دوم فمینیستی افراط و رویکرد غیرمنطقی در دفاع از زن بوده است «از اوایل دهه ۹۰ جهان غرب به نقش‌های سنتی و نهاد خانواده رویکردی دوباره داشته و از حرکت‌های تند فمینیستی موج دوم کاسته شد؛ زیرا آثار سوء افراط در حرکت‌های زن‌مدارانه بیش از همه دامان زن را گرفت. خشونت روزافزون در محیط کار و خانواده و فقدان امنیت جنسی از آثار موج دوم بود. فمینیست‌های مدرن در دهه اخیر سعی می‌کنند با ظاهری زنانه و رفتاری ظریف تمایز خود را از مردان به نمایش بگذارند». (منصورنژاد، ۱۳۸۱: ۲۲۵) گروهی از فعالان عرصه حدیث‌پژوهی زنان و خانواده، متأثر از فشارهای وارده از ناحیه گروه‌هایی از زنان که آن هم متأثر از تبلیغات به ظاهر آزادی‌خواهانه غرب است، به آیات و روایات مربوط به خانواده با دید انتقادی می‌نگرند. بسیاری از این‌گونه احادیث را «ضعیف‌السند» دانسته و کنار می‌گذارند؛ در حالی که بررسی سند بخش اول ارزیابی حدیث محسوب می‌شود و ضعف آن می‌تواند دلیل خوبی برای کنار گذاشتن حدیث تلقی شود، اما «نقد متن» مهم‌تر از بررسی سند و دلیل متقنی برای قضاوت درباره حدیث است. گاهی سند را می‌پذیرند، اما در نقد متن براساس پیش‌فرض‌ها و اهداف از قبل



تعیین شده خود، سعی در مخالف عقل و آیات قران قلمداد کردن این گونه روایات دارند. این امر نه تنها کمکی به خوشنام کردن اسلام در دفاع از زن و احیای شخصیت وی در خانواده نمی‌کند؛ بلکه باکنارگذاشته شدن تعالیم نورانی اسلام، گمراهی و سرگردانی نسل جوان افزون می‌شود و پیدا کردن حقیقت بعد از سقوط در دره ضلالت، بسیار دشوار خواهد بود.

۶- بررسی حدیث فارغ از سبب صدور

در هر گفتاری بهره‌گیری از قراین درونی و برونی به فهم مدالیل آن کلام کمک می‌کند. یکی از قراین بیرونی گفتار زمینه‌ها، شرائط و مقتضیات پدیدآمدن و صدور آن است. دانستن سبب صدور، در فهم روایات نقش اساسی و مهمی دارد. بدون در نظر گرفتن سبب صدور، چه بسا تحلیل روایت با آنچه مد نظر معصوم (علیه السلام) بوده است، انحراف زیادی داشته باشد. پیامبر گرامی خدا (صلی الله علیه و اله) فرمودند: با زن سیاه چهره دارای قابلیت حمل ازدواج کنید، ولی با زن زیبایی نازا و عقیم ازدواج نکنید؛ چراکه من در روز قیامت به امت خود افتخار می‌کنم...^۱ (مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۱۰/۸) با توجه به اسباب صدور این روایت منظور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) از توصیه به ازدواج با زنی که زیبا نیست، اما فرزندآور است در پاسخ به سؤال مردی درباره ازدواج با زیباروی عقیم بوده است، مسلماً در نگاه پیامبر اسلام که «رَحْمَةٌ لِّلْعَالَمِينَ»^۲ است، زنان عقیم نیز حق زندگی و تشکیل خانواده دارند و کرامت زن تنها در گرو فرزندآوری نیست، اما با توجه به شرایط و دیدگاه سائل که در اولویت‌بندی معیارهای انتخاب همسر دچار سطحی‌نگری شده بود، بیان واقعیت‌ها در این عرصه ضروری بود.

۱. و فی الصحيح، عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال جاء رجل إلى رسول الله (صلی الله علیه و اله) فقال: يا نبي الله إن لي ابنة عم قد رضى جمالها و حسنها و دينها لكنها عاقرة؟ فقال: لا تزوجها، إن يوسف بن يعقوب لقي أخاه فقال يا أخي كيف استطعت أن تتزوج النساء بعدى فقال إن أبى أمرنى و قال إن استطعت أن تكون لك ذرية تنقل الأرض بالتسبيح فافعل قال و جاء رجل من الغد إلى النبي (صلی الله علیه و اله) فقال له مثل ذلك فقال له تزوج سوداء ولودا فإنى مكاتركم الأمم يوم القيامة، قال فقلت لأبى عبد الله عليه السلام ما السوداء؟ قال: القبيحة - فظهر أن السوداء من النساخ. و فى القوى عن سليمان الجعفرى عن أبى الحسن الرضا (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و اله) لرجل تزوجها سوداء ولودا و لا تزوجها جميلة حسناء عاقرا فإنى مباه بكم الأمم يوم القيامة، أو ما علمت أن الولدان تحت العرش يستغفرون لأبائهم يحضنهم إبراهيم و تربيهم سارة فى جبل من مسك و عنبر و زعفران.

۲. انبياء/۱۰۷

۷- اعتماد بر خرافات در پذیرش روایات خانواده

یکی از مهم‌ترین علل جاودانگی اسلام، پیوند وثیق آن با عقل است. دین و خرد در اسلام، با یکدیگر رابطه تلازم و جدایی‌ناپذیر دارند. بازتاب این امر، در فرایند اجتهاد و استنباط احکام الهی به‌خوبی پیداست؛ تا آنجا که عقل در کنار کتاب و سنت، یکی از منابع استنباط قلمداد شده است. در ارزیابی روایات، حدیثی که مخالف عقل باشد، به کنار نهاده می‌شود. در روایتی از پیامبر خدا (صلی الله علیه و اله) نقل شده است که فرمود: بدیمنی، واگیری و شومی وجود ندارد و اگر شومی در چیزی باشد در اسب و زن و خانه است^۱ (سنن أبی داود: ۱۹/۳ برقم ۳۹۲۱). در این روایت اسب، زن و خانه شوم دانسته شده است. در حالی که عقل، شوم بودن موارد یاد شده را بدون دلیل قانع‌کننده نمی‌پذیرد. در روایات، مواردی از قبیل مصاحبت نادان و بداخلاقی (حرانی، ۱۴۰۴: ۹۸ و ۴۴) خواب صبح‌گاهی (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۵۰۳/۱) مهریه سنگین و هزینه‌های گزاف (همان: ۳۸۷/۳) و... شوم خوانده شده است. عقلاً شومی این امور را به دلیل آثار زیان‌بارشان می‌پذیرند، اما شوم دانستن روزها، جنسیت و... دلیل عقلایی ندارد و پذیرفته نیست. ائمه اطهار (علیهم السلام) به استفاده از عقل در باور به شومی امری تأکید داشتند. حسین بن مسعود گفت: روزی خواستم به حضور ابی الحسن امام هادی (علیه السلام) شرفیاب شوم، در آن روز هم انگشتم به سنگ خورد، و هم سواره‌ای به سرعت از من گذشت، و به شانه‌ام زد و شانه‌ام صدمه دید، هم اینکه وقتی می‌خواستم وارد شوم از بس شلوغ بود لباسم را پاره کردند، با خود گفتم: خدا مرا از شرت حفظ کند چه روز شومی هستی، و چون شرفیاب شدم حضرت فرمود: ای حسن این چه پنداری است؟ تو که همواره دور و بر ما هستی نباید گناهت را گردن کسی که بی گناه است بگذاری. امام با این گفتار خود عقل مرا بیدار کرد، و فهمیدم که خطا رفته‌ام، عرضه داشتم: ای مولای من، از خدا برایم طلب مغفرت کن، فرمود: ای حسن روزها چه گناهی دارند که شما هر وقت به کیفر اعمالتان می‌رسید آن ناراحتی را به گردن روز گذاشته، آن روز را روزی شوم می‌خوانید؟ عرضه داشتم: من به نوبه خود از این گناه و خطا برای ابد استغفار می‌کنم، و همین توبه من است یا بن رسول الله... (حرانی، ۱۴۰۴: ۴۸۲)

۱. أخرج أبو داود، عن سعيد بن المسيب، عن سعد بن مالك، أن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) قال: «لا هامة ولا عدوى ولا طيرة، وإن تكن الطيرة في شيء ففي الفرس والمراة والدار»



۸- غفلت از هویت انسانی زن

در روایتی می‌خوانیم: «زن، سگ و الاغ نماز را قطع می‌نماید»^۱ (سنن ابن ماجه، ۳۰۶/۱). بدین معنا که عبور موارد یاد شده از مقابل نمازگذار موجب ایجاد خدشه در نماز می‌شود. این بیان متضمن قرار دادن زن در ردیف حیوانات است. اولین مرحله در بررسی روایات مربوط به خانواده - همانند سایر روایات - عرضه احادیث به قرآن کریم است، در عرضه روایت به قرآن کریم دو دیدگاه وجود دارد. نخست اینکه روایت مخالف قرآن پذیرفته نیست. دیدگاه دوم پذیرش روایت را منوط به موافقت حدیث با نص یا مضمون قرآن می‌داند. دیدگاه دوم با توجه به روایات عرضه حدیث به قرآن پذیرفتنی نیست؛ زیرا براساس این روایات، تنها احادیث مخالف قرآن کنار گذاشته می‌شود. دیدگاه دوم با روایات عرضه سازگاری دارد^۲ (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۲۳/۵). براین اساس در هیچ آیه‌ای از قرآن کریم کوچکترین اهانتی به زن نشده است. در آیات الهی، زن به عنوان یک انسان، همچنین در نقش‌های همسری و مادری در جایگاه والایی قرار دارد که به برخی از موارد تکریم زن در قرآن کریم اشاره می‌کنیم:

۱- قرآن کریم از زنان مؤمن در کنار مردان مؤمن به عظمت یاد می‌کند و در طی مراحل کمال و دریافت اجر الهی تفاوتی میان مرد و زن نمی‌گذارد و می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِیماً»^۳ مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنانی که از فرمان خدا اطاعت می‌کنند، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق‌گر و زنان انفاق‌کننده، مردان روزه‌دار و زنانی که روزه می‌دارند، مردانی که دامان خود را از آلودگی به بی‌عفتی حفظ می‌کنند و زنانی که پاکدامن هستند، مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آن‌ها مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.

۱. المرأة والکلب والحمار تقطع الصلاة

۲. ما اتاکم عنا فاعرضوه علی کتاب الله فما وافق کتاب الله فخذوا به و ما خالفه فاطرحوه

۳. احزاب/۳۵

۲- زن در جایگاه همسری مورد سفارش خدای متعال است. قرآن کریم از حقوق متقابل زن و مرد سخن می‌گوید: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛^۱ و برای زنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده است.» قرآن کریم چنان عنایتی به تکریم زن در پرداخت نفقه وی - حتی بعد از طلاق - دارد که از منزل متعلق به مرد که هر دو در آن زندگی می‌کردند، با ضمیر مؤنث (بُیُوتِهِنَّ) یاد می‌کند: «وَأَتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ؛^۲ و از خدایی که پروردگار شماست بپرهیزید، و آنها را از خانه‌هایشان بیرون نکنید.» و دوباره به مردان سفارش می‌کند محل سکونت زن مطلقه در عده طلاق باید همان منزلی باشد که مرد در آن سکونت دارد. «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ؛^۳ آنها (زنان مطلقه) را هر جا خودتان سکونت دارید، و در توانایی شماست، سکونت دهید، و به آنها زیان نرسانید تا کار را بر آنها تنگ کنید (و مجبور به ترک منزل شوند).

۳- در آیات الهی زن در مقام مادری در جایگاه والایی قرار دارد. قرآن کریم، بعد از دعوت به توحید، نیکی به والدین را سفارش می‌کند. آنجا که می‌فرماید: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛^۴ پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید.» در این میان برای مادر ارزش و جایگاه ویژه‌ای قائل شده و می‌فرماید: «وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا؛^۵ ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است. در آیه دیگر می‌فرماید: «وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ؛^۶ و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد) و دوران

۱. بقره/۲۲۸

۲. طلاق/۱

۳. طلاق/۶

۴. اسراء/۲۳

۵. احقاف/۱۵

۶. لقمان/۱۵-۱۴



شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد؛ (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر به‌جا آور که بازگشت (همه شما) به سوی من است. حق مادر بیش از پدر است. در هر دو آیه شریفه، پس از کلمه «والدین»، سخن از رنج‌های مادر در این سه مقطع مهم زندگی انسان است. سفارش نیکی به مادر، بعد از دعوت به توحید بیان‌کننده عظمت وجودی زن در نقش مادری است.

بحث و نتیجه‌گیری

۱- برخی از حدیث‌پژوهان حوزه خانواده تحت تأثیر جنبش‌های جهانی زنان، اقدام به رد یا تفسیر به رای تعدادی از روایات می‌کنند. این امر به از دست رفتن گنجینه‌های ارزشمند حدیثی و استحاله در باب احکام زنان و خانواده منجر می‌شود و آسیب‌های آن کم‌تر از زیان پذیرش بدون قاعده روایات نخواهد بود.

۲- لازمه فهم صحیح روایات مربوط به زن و خانواده، آشنایی دقیق با حقیقت قرآن کریم، کنکاش عمیق در سیره عملی معصومان (علیهم‌السلام) و کسب اطلاعات کافی در علوم و دانش‌های جدید مرتبط با حوزه زن و خانواده است.

۳- نفوذ دیدگاه مرد سالارانه موجب گردیده است احادیث مربوط به زن و خانواده دست‌خوش تحریف یا کج فهمی شود. این امر، دست‌انویز دشمنان دین برای مبارزه با احکام اسلامی در باب خانواده شده است. توجه به آسیب‌های فهم روایات که در مقاله بدان پرداخته شده است، می‌تواند به زدودن غبار زن ستیزی در روایات اسلامی کمک کند.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی
- نهج البلاغه (للصبحی صالح) (۱۴۱۴). هجرت، قم.
- کتاب مقدس، ترجمه پیروز سیار، (۱۳۹۴). نشر هرمس، بی‌جا.
- آن پرایس، نانسی بامفورد (۱۳۷۳). تغذیه کودک با شیر مادر، ترجمه سیاوش آگاه، تهران: آوای نور.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، قم.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، علامه، قم.
- ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۱۸). سنن ابن ماجه، شرح: ابی الحسن حنفی، دارالمعرفه، بیروت.
- ابی داوود، سلیمان بن اشعث (۱۴۰۱). السنن (۵ج)، الکتب الستہ (۷-۱۱)، استانبول
- اشتاینر، مایر؛ یونگرز، کیمبرلس (۱۳۸۳). افسردگی در زنان، مترجم پروین بهادران، جهاد دانشگاهی اصفهان.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱). صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن محقق / مصحح: داوودی، صفوان عدنان دار القلم - الدار الشامیة بیروت - دمشق.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴). الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم.
- شولتز، دوان پی و دیگران (۱۳۸۶). نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران.



طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷). دار الکتب الإسلامية، تهران.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت.

مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی (۱۴۰۶). روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القدیمه)، محقق / مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهااردی علی پناه، مؤسسه اسلامی کوشانپور.

منصورنژاد، محمد (۱۳۸۱). مسأله زن اسلام و فمینیسم، برگ زیتون، تهران.

مهریزی، مهدی (۱۳۸۹). نواندیشی دینی و مسأله زن، صحیفه خرد، قم.

مودب، سیدرضا (۱۳۷۸). پژوهشی در مصطلح الحدیث یا علم الدرايه، انتشارات احسن الحدیث، قم.

هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵). کتاب سلیم بن قیس الهلالی، الهادی - ایران؛ قم.

هیزل چیسترمن فیلیپز، تسا هیلتون (۱۳۸۰). جنسیت فرزند خود را انتخاب کنیم، مترجم فرزانه کریمی، بی‌نا، تهران

جوانمردی، المیرا (۱۳۹۰). مقایسه سطح لپتین شیر مادران دارای فرزند دختر و پسر، مجله کومش ۱۸۳/۴۲ دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ش ۴۲، ص ۱۸۲ تا ۱۸۹.

نصیری، علی (۱۳۹۰). روش‌شناسی نقد احادیث، موسسه وحی و خرد، قم.

نفیسی، شادی (۱۳۸۰). معیارهای نقد متن در ارزیابی حدیث، مقالات و بررسیها، ش ۷۰، ص ۴۴-۱۳

The Holy Quran, Translated by Makarem Shirazi

Nahj al-Balaghah (al -Sobhi Salih) (1414). Hijrat: Qom.

The Holy Book, Translated by Pirouz Sayyar, (1394). Hermes Publishing: unknown location.

Anne Price, Nancy Bamford (1373). *Breast Feeding, Translated by Siavash Agah*, Avaye Noor: Tehran.

Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid bin Hebat Allah (1404). *A commentary of Nahj al-Balagha Le ibn Abi al-Hadid*, Researcher/Editor: Ibrahim, Mohammad Abolfazl, the school of Ayatollah al-Mar'ashi al-Najafi.

Ibn Babuyeh, Muhammad ibn Ali (1413). *Man La Yahzara al-Faqih*, Researcher/ Editor: Ghaffari, Ali Akbar, Islamic Publishing Office of the Society of Seminary Teachers of Qom.

- Ibn Sho'be Harani, Hasan ibn Ali (1404). *Tohaf al-Oqul*, Researcher / Editor: Ghaffari, Ali Akbar, The Society of Seminary School Teachers, Qom.
- Ibn Shahr Ashoob Mazandarani, Mohammad bin Ali (1379). *Manaqib al-Abi Talib* (AS), Allameh, Qom.
- Ibn Majeh, Mohammad bin Yazid (1418). *Sonan Ibn Majeh*, Description: Abi al-Hasan Hanafi, Dar al-Ma'rafa, Beirut.
- Abi Davood, Suleiman Bin Ash'ath (1401). *Al-Sunnan* (5th volume), al-kotob al-Setta (7-11), Istanbul.
- Stearnier, Mayer, Yonggers, Kimberluss (1383). *Depression in Women*, Translated by Parvin Bahadoran, Jihad Daneshgahi, Isfahan.
- Bukhari, Mohammed bin Isma'il (1401). *Sahih Bukhari*, Dar al-Fekr, Beirut.
- Ragheb Esfahani, Hussein Ibn Mohammad (1412). *Mofradat, Alfaz al- Quran*, Researcher/ Editor: Davoodi, Safvan Adnan, Dar al-Qalam, al-Dar al-Shmiyat Beirout, Damesques .
- Siutī, Abdurrahman ibn Abu Bakr (1404). *al-Dor al-Mansour fi tafsir al-Ma'thor*, Ayatollah Mar'ashi Najafi library, Qom.
- Sholtez, Devon P. et al (1386). *personality theories*, Translated by Yahya Seyyed Mohammadi, Tehran.
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hussein (1417). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom.
- Koleini, Muhammad ibn Ya'qub ibn Ishaq (1407). Dar al-kotob al-Islamiyah, Tehran.
- Majlesi, Mohammad Baqer bin Muhammad Taqi (1403). *Bihar al-Anwar, Dar Ehya al-Torath al- Arabi*, Beirut.
- Majlesi, Mohammad Taqi Bin Maqsoodali (1406). *Rawdat Muttaqin fi Sharh man La Yohzerh al-Faqih* (T- Alqadimah), Researcher / Editor: Mousavi Kermani, Hussein Eshtehard and Ali Panah, the Islamic Institute of Kushanbur.
- Mansournejad, Mohammad (1381). *The issue of Muslim Woman and Feminism*, Barg-e-Zeitoun, Tehran.
- Mihrizi, Mahdi (1389). *Religious Renaissance and the Problem of Women*, Sahife Kherad, Qom.
- Mo'adab, Seyed Reza (1378). *A Research on Mosta'llah al-Hadith or Elm al-Derayah*, Ahsan al-Hadith Publication, Qom.
- Nasiri, Ali (1390), Methodology of Criticizing Hadith, Vahy va Kherad Institute, Qom.
- Hilali, Salim bin Qeys (1405). *the book of Salim bin Qis al-Hilali*, Al-Hadi - Iran; Qom
- Hazel Chesterman Phillips, Tessa Hillton (1380). *Choosing the Gender of our Child*, Translated by Farzaneh Karimi, Bina, Tehran.
- Javanmardi, Elmira (1390). Leptin levels in the Milk of Mothers Having Sons and Daughters, Koomesh Journal 42/183) *Uromiyeh University of Medical Sciences*, No. 42, pp 182 to 189.
- Nafisi, Shadi (1380). Criteria for Text Criticism in Assessing Hadith, *Articles and Reviews*, No. 70, pp. 13-44.



Pathology of Understanding Narrations about Family

Fatemeh Vajdi sehis* & Seied Reza Moadab**

Abstract

Islam is a divine and holy religion that attaches great importance to the family and considers it as the cornerstone of social life. Hence, many traditions have been narrated for the growth and development of family. Pathology of understanding these narrations plays an important role in distinguishing authentic and fictitious hadiths from one another, explaining Islamic narrations and, consequently, strengthening family foundation based on Islamic laws. On the other hand, neglecting this issue and lack of a systematic understanding of narrations may lead to the adoption of fictitious hadiths or subjective interpretation of the authentic ones. The most important harms to some of the narrations related to the family are as follows: opposition to the holy Qur'an; neglecting the practical life of the infallibles (as); the inclusion of some fictitious narrations to the family domain; ignorance of the most recent findings in medical and psychological sciences; extremism in acceptance of narrations; reviewing hadiths regardless of the causes of their issuance; trusting superstitions in accepting narrations; neglecting humanist identity of women.

Key words: Pathology of Hadith, Understanding Family Traditions, False Traditions, Commentary on Voting.

* Ph.D. student, University instructor, Qom, Iran

** Professor at Qom University, Qom, Iran

DOI: 10.22051/jwfs.2017.9859.1144

Submit Date: 2016-05-18

Accept Date: 2017-04-12